

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد  
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

عبد المتین کوهدامنی  
پشاور – پاکستان  
۷ جنوری ۲۰۰۹

## خود کشی تاریخی یک "مؤرخ"

برای توجیه کردن عنوان مقاله باید اول ثابت بسازم که آقای سیستانی واقعاً یک "مؤرخ" است و این کار ساده پی هم نیست. نوشتن مقالاتی که همه نقل قول از کتب دیگر و بدون بهم پیوند دادن و ارزیابی و تحلیل منطقی رویدادهای تاریخی باشد، کسی را "مؤرخ" و "تاریخدان" نمی سازد.

به هر صورت و بر سیل "طنز" و "مسخره گی" هم که شده، فرض را بر آن نهیم که "سیستانی" صاحب یک "مؤرخ" است. حالا ببینیم که این باصطلاح "مؤرخ" چه کرد، چه میکند، چه خواهد کرد و اصلاً چه کرده میتواند و بعداً از مسئله نتیجه گیری نمائیم.

آقای سیستانی با آن گذشته شوم که در ظاهر کار رول "سادو" و "مداح" رژیم نجس و پلید خلق - پرچم را به عهده داشت، در باطن امضای خود را بر اسناد می چسپاند، تا آزاده پی و آزادیخواهی و مجاهدی اعدام گردد و یا به غل و زنجیر کشیده شده رهسپار شکنجه گاه پل چرخی گردد. او زیر هزاران فقره اعدام آزادیخواهان و مجاهدان امضا کرده است. و این تازه از جنایات کوچک او شمرده میشود، زیرا جنایت بزرگ و عمده او و دیگر اعضای "شورای انقلابی" رژیم منفور خلق - پرچم، **همانا امضای سند یورش و تجاوز اردوی وحشی سرخ به افغانستان و در بند کشیدن و تسلیمی بدون فید و شرط یک ملت آزاده و آزادی خواه است. و این چیز دیگری نیست غیر از "خیانت ملی" و تا تاریخ زنده است، این "خیانت ملی" هم نمی میرد.**

سیستانی که با وجود آن غدارها و جنایات و خیانات گذشته خود، چون از فن نوشتن مقالات سررشته پی داشت، بعد از افتادن در دامان امپریالیزم، خواست با پیشکش دهها مقاله در باره اشخاص خوشنام تاریخی و موفقگیری به نفع مسایل ملی، خود را در دل افغانان آزاده و وطنپرست شیرین بسازد. سیستانی که با این فلوته بازی گویا موقعیت خود را در بین افغانان راسخ العقیده و وطنخواه تثبیت یافته دید، خواست قدمی فراتر گذاشته و گذشته شوم خود را با یک ترفند جدید، بکلی از اذهان محو و نابود بسازد. او بهانه پی پیدا کرد تا به بدگوئی وطن پرستان و فرزندان صدیق این خاک پردازد، تا از این طریق موضع خود را بزعم خودش بحیث یک "وطنپرست دو آتشه" مسجل ساخته و گذشته نجس خود را گویا "غسل تعمید" بدهد. و این بدترین چال زندگی ننگین این انسان ابن الوقت بود که به خودکشی تمام عیار شباهت پیدا کرده است. زیرا فرزندان اصیل وطن هم خاموش ننشسته و ماهیت این سادو و مداح و جانی و قاتل را با اسناد و شواهد و دلایل استوار برملا ساختند. و **قسمی که شخص خودم می بینم، سیستانی دیگر وجود خارجی ندارد.** جای بسیار خوشبختی است که این نقش افشا کننده را پورتال افغانستان آزاد به

عده گرفته و خدمت بسیار بزرگ را برای جامعه روشن فکر افغانی انجام داد. نوشته های افشاگر جناب داکتر صاحبزاده که رگ و راست و بدون پیرایه به اصل موضوع پرداخته اند، بیخ سیستانی را کند و حالا نوبت مقالات قاضی صاحب سید موسی عثمان و دیگران است که این گند را بکلی نابود بسازند.

طوری که دریافت اینجانب است، سیستانی حالا دیگر وجود خارجی ندارد و هر افغان شریف به ماهیت نکبت بار، پلید و خبیث او پی برده است. از این به بعد شاید او از ترس از خانه خود بیرون برآمده نتواند. از این پس دیگر نخواهد توانست در محافل شادی و غم افغانان اشتراک نماید. از این پس دیگر جایی برای مقاله نوشتن اش هم باقی نمانده است. از این پس شاید هیچ سایت اینترنتی و جریده آبرومند افغانی، جرئت نخواهند کرد که مقالات وی را نشر کرده و خود را با این "لحاف بیمار" بپوشند. **سیستانی واقعاً دست به انتحار زد و خود را زنده زنده کشت. این خودکشی، یک خودکشی تدریجی است. او هر لحظه می میرد و لحظه ای نیست که بحیث یک موجود زنده، سر بلند نماید.** یقین دارم که یکی دو سایت باقیمانده طیف سایتهای افغانی نیز ملتفت خطر بدنامی خود شده، و مقالات او را دیگر نشر نکنند. **دیده شود که سایت افغان جرمن از خود بلوغ فکری و سیاسی نشان میدهد و این بگفته داکتر صاحب صاحبزاده، "مکروب ایدز"، را از بدن خود دور میکند، یا اینکه میخواهد خود را یکجا با آقای سیستانی در گورستان سیستان زیر هزاران من شن و ریگ دفن کند؟ اگر سایت افغان جرمن زود نجنبد و چاره کار خود را نکند، شاید فردا دیگر دیر شده و کار از کار گذشته باشد.**

سیستانی صاحب که با کارکردهای اخیر و با براه اندازی خاکبادهای هرزه خود، خویش را از صفحات جراید و سایتهای اینترنتی تبعید نمود، اکنون فقط یک راه را سراغ دارد و آن نوشتن زیر نامهای مستعار است. این "کاندیدای انتحاری" که در واقعیت امر خود را نیست و نابود کرده، و جرئت نوشتن بنام اصلی خود را ندارد، حالا میخواهد رو به "مستعار نویسی" آورد. و اولین مقاله او زیر نام مستعار، نوشته یی است تحت عنوان "سه نظر از میان یکصد نظر در مورد ملالی جویا". سیستانی که این نوشته را زیر نام مستعار "م. سپین" نوشته، فکر کرده که مردم بازی میخورند و لاطایلات و چرندیاتش را تحویل میگیرند. **این انسان آنقدر کودن و بی عقل است که شاید تا آخر بر همان تاکتیک های کهنه خود پابند مانده و روزی از این تاکتیک دست بردارد، که مرده شوی مرده اش را بردارد.** هر کسی که مقالات اخیر سیستانی را خوانده باشد، فی الفور می فهمد که "م. سپین" کس دیگری غیر از خود "سیستانی" نیرنگ باز و ابن الوقت قدیم، نیست.

**وای به حال سایت افغان جرمن، اگر تشخیص خطر نکند و به خاطر سیستانی بدنام، خود را نیست و نابود بسازد. توصیه من به گرداننده گان سایت افغان جرمن اینست که سیستانی را از صفحات خود تبعید نمایند و اجازه ندهند که بخاطر این شپش مردار، یک پوستین در آتش بسوزد.**